

# عهدنامه مودت در لاهه به داد برجام نمی‌رسد

«گروه حقوق جوان» با استفاده از نظرات اساتید حقوق بین‌الملل شکایت مطروحه ایران علیه امریکا را در دیوان بین‌المللی دادگستری مورد واکاوی قرار داده است



## نیره ساری

هفته گذشته دادستان دیوان بین‌المللی لاهه در نامه‌ای به وزیر امور خارجه امریکا خواستار توقف تمام اقدامات این کشور علیه ایران تا زمان رسیدگی به شکایت ایران از امریکا در این دیوان شد. این «شبه‌دستور موقت» در پی شکایت ایران از امریکا بود. قرار است امریکا پس از خروج از برجام تحریم‌های ایرانی را طی چند مرحله بازگرداند. اقدام امریکا تیم حقوقی وزارت امور خارجه و معاونت حقوقی ریاست جمهوری کشورمان را بر آن داشت تا به استناد «عهدنامه مودت» علیه امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری (Cour Internationale De Justice) اقامه دعوی کند.

ایران و امریکا در مرداد ماه ۱۳۳۴ قرارداد را با عنوان عهدنامه مودت امضا می‌کنند؛ عهدنامه‌ای که در ماده یک خود بر صلح استوار و پایدار است و بر دوستی صمیمانه بین دو کشور تأکید دارد و مجموعه‌ای از امتیازات و حقوق تجاری و کنسولی را برای اتباع دو کشور مقرر می‌کند. جالب این است که به رغم همه اتفاقات و تخص‌های بعد از انقلاب ۵۷ هیچ یک از دو کشور اعلام خروج از پیمان مودت نکردند و این معاهده همچنان از نظر حقوق بین‌الملل دارای اعتبار و لازم‌الاجراست.

حالا طبق بند ۲ ماده ۲۱۱ این عهدنامه هر گونه اختلاف بین طرفین که از طریق دیپلماسی فیصله پیدا نکند به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌شود. دیوانی



## مرآجه ایران به لاهه بیشتر سیاسی است

### یوسف مولایی\*

#### پیمان مودت میان ایران و امریکا؟!

با جانشینی حکومت‌ها، دولت جانشین وارث حقوق و تعهدات قبلی است. به خصوص آنچه مربوط به مناسبات بین‌المللی است. مگر اینکه دولت جدید رسماً اعلام فسخ کند کما اینکه ما بسیاری از قراردادهای امریکا را فسخ کردیم مثل خرید تسهیلات نیروی هوایی در همان ابتدای انقلاب اما در این عهدنامه فسخی صورت نگرفته و قبلاً هم به آن استناد شده است. حالا اینکه به لحاظ سیاسی در ست یا خیر به عهده مقامات عالی‌است اما به لحاظ حقوقی اینگونه نیست. مگر اینکه تغییر بنیادین اوضاع و احوال صورت گیرد که اعلام نشده ضمن اینکه باید این تغییر بنیادین اثبات شود. در نتیجه باید گفت فسخ عهدنامه مودت پس از انقلاب یک انتخاب بوده که کشور ما انجام نداده است. این موضوع تابع حقوق وین معاهدات است که مثل قرارداد و حقوق داخلی است، یعنی تا زمانی که فسخی صورت نگرفته، قرارداد به اعتبار خود باقی است مگر اینکه موضوعیت خود را از دست بدهد که چنین چیزی می‌توان اتفاق نیفتاده است.

#### امریکا دوست یا دشمن؟!

می‌توان روی این موضوع بحث کرد که با توجه به شرایط پیش آمده موضوعیت عهدنامه مودت از بین رفته است چرا که رابطه دوستانه‌ای میان ایران و امریکا نیست. اما این هم باید آشکارا اعلام شود. قبلاً هم در قضیه گرو و گانگیوی، ایراس و سکوی نفتی به این عهدنامه استناد شده است اما باید گفت تکنیک حقوقی به حدی قوی است که وضعیت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یعنی اگر قرار بود این اتفاق بیفتد باید در قضیه سکوها‌های نفتی هم مطرح می‌شد و دعوا به جریان افتاد و در مرحله صلاحیت پیشرفت نمی‌کرد. نفس مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری و میز مذاکره همه داخل یک بسته به نام «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات» است که در فصل ششم منشور سازمان ملل متحد ذکر شده است، بنابراین به نظر من ارجاع به دیوان یعنی پذیرفتن قابل مذاکره بودن امریکا!



#### توصیه دیوان به توقف اقدامات طرفین

دستور موقت، یک اقدام بارزانه پیگیرانه است که معمولاً دیوان در همه دعوا‌ی انجام می‌دهد. به بیان دیگر در اکثر پرونده‌ها دیوان چنین توصیه‌ای را مطرح می‌کند که طرفین از دست زدن به اقداماتی که می‌تواند موضوع را پیچیده‌تر، بحرانی‌تر و خسارت‌ز بیشتر وارد کند، خودداری کنند. تقریباً در اکثر پرونده‌ها هم کسی به این موضوع اعتنایی نمی‌کند. آثاری هم چندان نداشته است. امریکا کار خود را انجام می‌دهد کما اینکه در پرونده‌های قبلی هم چنین توصیه‌هایی شده و هر دولت کار خود را انجام داده و طرفین اقداماتی را که اسپیرس‌ران و ضرررس‌ان بوده است، متوقف نکردند اما تأثیر گذاری این موضوع ممکن است در محاسبه رأی نهایی، خسارات را به گونه‌ای متوجه کشوری کند که به توصیه عمل کرده‌وب هر خلاف حقوق بین‌الملل رفتار کرده‌است.



#### ضمانت اجرای رأی دیوان

مقوله ضمانت اجرا، ضعف کلی ساختار جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل است. هر قراردادی در سطح بین‌الملل بسته شود هر کدام مستحکم باشد یک طرف نقض می‌کند و نهایتاً اگر قدرتی بر رعایت الزامات نباشد، در دست‌انداختن حقوقی و سیاسی می‌افتد. جامعه جهانی فاقد اقتدار یک دولت بالای سر دیگر دولت‌هاست و ایران همانقدر به این نظم حقوقی بین‌المللی رضایت داده که امریکا رضایت داده است. حاکمیت دولت‌ها هم عرض یکدیگر تلقی می‌شود، بنابراین این مشکل ساختاری کشورهاست و با توجه به همین موضوع عضویت سازمان ملل را می‌پذیرند. یعنی ضعف در ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل را نمی‌توان معطوف به یک دعوی خاص کرد. در بحث شورای امنیت به نهایتاً وقتی دیوان بین‌المللی رکن قضایی سازمان ملل است از این امتیاز برخوردار بوده که اگر به رأی آن اعتنا نشده، کشوری که رأی به نفع اوست به شورای امنیت مراجعه کند. مثل دعوی علیه نیکاراگوئه که در آن پرونده دیوان رأی را به نفع نیکاراگوئه صادر کرد اما امریکا از اجرای رأی خودداری کرد در این پروسه سال‌ها طول کشید و بعد از ارجاع اجرای رأی به شورای امنیت هم امریکا وتو کرد و نهایتاً دو کشور مسالمت‌آمیز مشکل را حل کردند.

#### آورده حقوقی شکایت برای ایران

اول اینکه ارجاع دعوی از جانب ایران به دیوان لاهه یک اقدام بیشتر سیاسی است و تیم حقوقی ایران هم به دنبال اراده سیاسی بوده است. در پاسخ به این سؤال، متلامی توان پرسید چرا اساساً ما عضو سازمان ملل هستیم و آورده حقوقی آن برای جمهوری اسلامی چیست؟! این سؤال‌کارها هم در سازمان ملل است. اینکه نقض‌ها و ضعف‌هایی در ساختار جامعه بین‌الملل وجود دارد به این معنی نیست که از سازوکار استفاده نکنیم. به هر حال گرفتن رأی نتیجه دارد و آن هم این است که به لحاظ حقوقی حرف زدیم و ثابت کردیم، برای اثبات حقانیت خود حرکت کردیم و ضعف ساختاری جامعه بین‌الملل را هم آشکار کردیم. همچنین با صدور رأی هزینه عدم‌اجرای رأی در مناسبات سیاسی و بین‌المللی به امریکا تحمیل خواهد شد.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

که همزاد «سازمان ملل» متحد محسوب می‌شود و وظیفه رسیدگی به «اختلافات حقوقی» دولت‌ها را بر عهده دارد. اکنون نیز مطابق با رویه و عرف بین‌المللی، دیوان از امریکا خواسته است تا زمان رسیدگی به پرونده (اوت سال جاری میلادی)، از انجام هر اقدامی که تصمیمات آینده دیوان را خدشه‌دار کند، خودداری ورزد.

در همین راستا و طی همین یک‌دی که هفته برخی مقولات حقوقی طرح شده‌اند: شبه‌دستور موقت و پس از آن، دستور موقت اصلی دیوان به این معنی است که امریکا نباید تحریم‌هایی را که طی بازه ۹۰ روزه و از ۱۵ مرداد ماه باز اعمال می‌شوند، اعمال کند اما همانطور که معلوم بود، نامه و درخواست دیوان بین‌المللی دادگستری اهمیتی برای امریکانداشت و تحریم‌ها از ۱۵ مرداد بازاعمال شدند. دوم اینکه باید توجه داشت که شورای امنیت سازمان ملل، اصلی‌ترین نهاد ضمانت‌کننده اجرای رأی دیوان است. لذا با توجه به قابلیت وتوی امریکا در شورای امنیت، حتی در صورتی که رأی دیوان به نفع ایران صادر شود، بعداً است از ضمانت اجرای لازم بر خوردار باشد.

نفع ایران مشترک بر جام برمی‌گردد و این سؤال را ایجاد می‌کند که چرا به جای حل این اختلاف در کمیسیون مشترک برجام، به سایر شیوه‌های حقوقی برای حل و فصل اختلاف توسل جسته‌ایم؟! برخی معتقد هستند شکایت ایران علیه امریکا در دیوان لاهه در حالی صورت گرفته‌است که به دلیل تبعیبه «مکانیسم ماشه» در برجام و دیگر



## شکایت ایران از برجام در کمیسیون مشترک برجام شانس ندارد

### سیدباقر میرعباسی\*

#### چرا طرح دعوی علیه امریکا؟!

طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری مستلزم این است که قبلاً دولت‌ها به نحوی صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند. یکی از شرایط طرح دعوی مبنای رضایتی است. دلیل طرح دعوی علیه امریکا از میان پنج کشور دیگر به دلیل عهدنامه مودت بین ایران و امریکاست. از سوی دیگر مسیر طرح دعوی پیش‌بینی شده در برجام راه به جایی نمی‌برد.

دلیل دیگر طرح دعوی ایران علیه امریکا این است که تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به حقوق ملت ایران ضدمات جبران‌ناپذیری وارد کرده بود و ما در مقابل مشکلاتی چون کمبود دارو و... قرار گرفتیم. به اصطلاح خسارات جبران‌ناپذیری که مسبوق به سابقه بوده متوجه ما شد و در نهایت ما دیدیم می‌توانیم با استناد به عهدنامه مودت علیه امریکا در قبال تهدیدات آنها طرح دعوی کنیم.



#### چرا شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری؟!

ما از طریق کمیسیون مشترک برجام توفیق چندانی پیدا نمی‌کنیم. راه‌حل‌های حقوقی در متن برجام پیش‌بینی نشده و بیشتر راه‌حل‌ها سیاسی است. به ویژه اینکه در کمیسیون مشترک برجام شانس کمی داشته و داریم، باید از تیم برجام دلیل آن را پرسید!



#### صلاحیت دیوان

صلاحیت بحث مهمی است. دیوان باید احراز صلاحیت کند و بعد به دعوی خواهان و خواننده رسیدگی کند. دیوان هنوز وارد احراز صلاحیت نشده است. اصطلاحی حقوقی وجود دارد به نام «prima facie» یعنی علی‌الظاهر صلاحیت داشتن که دیوان بر اساس این عرف موجود در رویه دیوان علی‌الظاهر خود را صالح می‌داند و لذا وارد رسیدگی به درخواست موقت می‌شود. اگر به درخواست موقت جمهوری اسلامی رسیدگی نشود، ممکن است وضع وخیم‌تر از وضعیت فعلی شود.



#### ضمانت اجرای دستور موقت

به موجب بند یک ماده ۹۴ منشور این دستور موقت باید نوعی رأی تلقی شود. این دستور تأمذتی از سوی کشورها در عمل اجرایی‌شد اما بعد از پرونده «برادران لاگرانژ» دیوان به این نتیجه رسید که دولت‌ها موظف و مکلف هستند که در روند رأی، دستور موقت را نیز اجرا کنند. علی‌القاعده از نظر حقوقی دستوری که دیوان صادر می‌کند، لازم‌الاجراست. هرچند ترامپ نسبت به الزامات حقوقی پایبندی چندانی ندارد، اما باید منتظر واکنش‌ها ماند و حداقل این است که در افکار عمومی امریکا دولتی ناپایدار نسبت به تعهدات بین‌المللی تلقی می‌شود. ضمانت اجرای این کار حالت برخی گونه‌های در عمل دارد.



#### استناد حقوقی به عهدنامه مودت

عهدنامه مذکور تعهداتی را پیش‌بینی کرده که مفاد آن ناظر به حقوق اشخاص حقیقی، حقوقی و فی مابین دولت‌هاست. ذکر این نکته ضروری است که به دفعات نسبت به این عهدنامه استناد شده و دیوان آن را معتبر شناخته است و حسب مورد به موجب بند ۲ ماده ۲۱۱ دعوی طرفین را پذیرفته است. علاوه بر این ما در معاهدات بحثی را به نام جانشینی داریم، یعنی بعد از اینکه نظام حکومتی‌ای روی کار می‌آید اگر عهدنامه قبلی را قبول ندارد باید بلافاصله اعلام کند و ایران باید همان ابتدا این موضوع را اعلام می‌کرد اما وقتی اعلام نشده، یعنی قبول داریم، امریکا نیز بر برخی مواقع چنین استدلال‌هایی داشت اما در عمل منصرف شده و اصل را بر ادامه و اعتبار این عهدنامه گذاشته است.



#### توصیه به تیم حقوقی پرونده

لاجه تکمیلی شکایت ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری به زودی تکمیل و منضم به اسناد و مدارک ارسال شود. پس از این دادگاه تصمیم می‌گیرد آیا درخواست ایران مبنی بر صدور قرار موقت (دستور موقت) معقول و مستدل بوده یا خیر! لازم است تیم پیگیر در این رابطه ادله کافی در این زمینه را جمع‌آوری کند تا به دادگاه ارائه کند. یکی از شرایط ترتیب اثر دادن شکایت از سوی دادگاه، وجود خسارت‌ها و خطرات جبران‌ناپذیر است و خود دیوان باید واقعیت این مسئله را احراز کند.

\*مدیر گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران



حیبیبی مجنده: صدور دستور اقدامات موقت شرایطی دارد که مهم‌ترین آنها وجود صلاحیت اولیه دیوان در رسیدگی به ماهیت اختلاف، پیوند کافی میان اقدامات درخواستی و حقوق ماهوی طرفین و فوریت و ضرورت چنین اقداماتی است. ایران باید اثبات کند چنانچه اقدامات درخواستی صورت نگیرد، ضرر جبران‌ناپذیری به حقوق این کشور به موجب عهدنامه محلی برای اجراء نخواهد داشت



نماینده امریکا البته تلاش‌ها و بی‌ثمر بودن آنها را بیان داشت و در نهایت دیوان با صدور دستور موقت توقفت کرد. در دعوی کنونی هم پیش‌بینی می‌شود چنین پرسشی از ایران نشود. متأسفانه در درخواست ایران برای صدور دستور اقدامات موقت به این نکته توجه نشده است در حالی که اگر اثبات نشود مسیر دیپلماسی غیرممکن بوده است، اصل دعوی شاید قابلیت استماع نداشته باشد. ۲- صدور دستور اقدامات موقت شرایطی دارد که مهم‌ترین آنها وجود صلاحیت اولیه دیوان در رسیدگی به ماهیت اختلاف، پیوند کافی میان اقدامات درخواستی و حقوق ماهوی طرفین و فوریت و ضرورت چنین اقداماتی است. ایران باید اثبات کند چنانچه اقدامات درخواستی صورت نگیرد، ضرر جبران‌ناپذیری به حقوق این کشور به موجب عهدنامه وارد خواهد شد و رأی نهایی دیوان محلی برای اجرا نخواهد داشت. به نظر می‌رسد اثبات این امر چندان دشوار نباشد، چرا که مطابق آنچه در درخواست ایران به تفصیل بیان شده، اعلام بازگشت تحریم‌ها خسارت بسیار زیادی به منافع ایران، اتباع و شرکت‌های ایرانی و حتی شرکت‌های غیر ایرانی که با ایران تجارت می‌کنند وارد آورده است. اما دیوان می‌تواند در دستور موقت خود مواردی را غیر از آنچه ایران خواسته است اعلام دارد. حال، این پرسش مطرح می‌شود که اگر دیوان در دستور خود از ایران خواهد به مذاکره برای حل اختلاف تن دهد، آیا ایران از این دستور تبعیت خواهد کرد یا خیر. هر چند در الزامی بودن دستور دیوان به لحاظ حقوقی بین‌المللی و به ویژه پس از رأی ۲۰۰۱ دیوان در قضیه لاگرانژ (آلمان علیه ایالات متحده) تثبیت شده است.

\* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه مفید

## کار سخت ایران در لاهه برای اثبات prima facie

### محمد حیبیبی مجنده\*

جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ جولای (۲۵ تیر) دادخواستی علیه ایالات متحده امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند و در همین روز، درخواستی برای صدور دستور اقدامات موقت هم ثبت کرد. مهم‌ترین خواسته ایران در دادخواست خود این بود که دیوان قضاوت کرده و اعلام دارد که امریکا با تصمیم خود در هشتم می (۱۰ اردیبهشت) به بازگرداندن تحریم‌های این کشور که مطابق توافق برجام اجرای آنها را متوقف کرده بود و همچنین تهدید به وضع تحریم‌های بیشتر، مواد (۴۱) (رفتر. منصفانه و عادلانه با اتباع و شرکت‌های طرفین)، (۷۱) (عدم ایجاد محدودیت‌ها برای انتقالات پولی)، (۸۱) (رفتر دولت کامله‌الوداد با محصولات طرفین)، (۹۲) (رفتر دولت کامله‌الوداد با اتباع و شرکت‌های طرفین در واردات و صادرات) و (۱۰۱) (آزادی تجارت و دریاوردی بین دو کشور) از عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ (۱۳۴۴) میان دو کشور را نقض کرده است.

ایران در دادخواست خود بند ۲ ماده ۲۱۱ عهدنامه را به عنوان مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلاف ذکر کرده است. در این بند، طرف‌ها توافق کرده‌اند چنانچه اختلافی میان آنان راجع به تفسیر یا اجرای عهدنامه بروز کرد و اختلاف به گونه رضایت‌بخشی یا دیپلماسی فیصله نیافت، هر یک از دو کشور می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد.

اما در درخواست صدور دستور موقت، ایران از جمله از دیوان خواسته است به امریکا دستور دهد تا پایان رسیدگی به اختلاف دو کشور در دیوان، اجرای همه تحریم‌های هشتم می را معلق کند و از وضع تحریم‌های بیشتر که احتمال می‌رود

اختلاف را تشدید یا گسترش دهد، احتجاب نماید. دیوان در اطلاعیه ۲۶ جولای (۴ مرداد) روزهای ۵ تا ۸ شهریور را برای استماع نظرات ایران و امریکا و تصمیم درباره درخواست ایران برای صدور دستور موقت تعیین کرده است. درباره این دعوا چه به لحاظ صلاحیت دیوان و چه از نظر ماهیت اختلاف، گفتنی بسیار زیاد است. در اینجا، اما، به دو نکته، آن هم در مورد درخواست صدور دستور اقدامات موقت اشاره می‌کنم: ۱- ایران در جلسات استماع روزهای اوایل شهریور باید بتواند صلاحیت اولیه (prima facie) دیوان برای رسیدگی به ماهیت دعوی را اثبات کند. شاید به نظر برسد ایران کار دشواری در این زمینه در پیش ندارد، چرا که در ظاهر امر، اختلاف به تفسیر یا اجرای مواد ۱ از عهدنامه مودت بازمی‌گردد و مطابق بند ۲ ماده ۲۱۱، طرفین به دیوان صلاحیت رسیدگی داده‌اند اما شاید دشواری ایران، اثبات عدم امکان حل اختلاف از طریق دیپلماسی باشد که در عهدنامه به عنوان مرحله پیش از رجوع به دیوان تعیین شده است. آیا ایران دیپلماسی یا گفت‌وگو و مذاکره برای حل اختلاف را آزموده است؟ در دعوی ایالات متحده علیه ایران در قضیه گروگان‌ها (۱۳۵۸)، امریکا از دیوان درخواست صدور دستور موقت کرده بود. امریکا در این درخواست از دیوان خواسته بود از جمله، اعلام کند ایران باید فوراً همه گروگان‌های دارای تابعیت امریکا را آزاد و خروج فوری و امن آنها از ایران را تسهیل کند و همه اشخاصی را که بدون مجوز کاردار امریکا در سفارت حضور دارند، بیرون کند. اولین پرسشی که در جلسه رسیدگی به درخواست صدور اقدامات موقت از امریکا پرسیده شد، این بود که آیا این کشور تلاش‌های دیپلماتیک را برای حل مسئله انجام داده و نتیجه‌ای نگرفته است؟